



حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
Communist (Maoist) Party of Afghanistan (CMPA)

استراتژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور عبارت است از استراتژی جنگ خلق. (اساسنامه مصوب سومین کنگره سراسری حزب)



پنجمین پلنوم سومین دور کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با

موفقیت بر گذار گردید و موفقانه پایان یافت.

پنجمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان طبق پلان تهیه شده تدویر و موفقانه انجام یافت. صرفاً درین پلنوم یک تن از اعضای اصلی کمیته مرکزی به علت مریضی و یک تن از اعضای علی البدل کمیته مرکزی به دلیل مشکلات و محدودیتی که شامل حال شان گردیده بود، نتوانستند درین پلنوم شرکت نمایند. رفقای حاضر در پلنوم پنجم دور سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به خاطر گرمی داشت یاد و خاطره رفیق ضیاء، رفیق عزیز، رفیق حفیظ، رفیق سلیم، رفیق مومند، رفیق کریم الله، رفیق فرهاد، رفیق وثوق، رفقای جان باختۀ پشه‌ئی، رفیق ظاهر، رفیق قاسمی و هم‌چنان جان‌باختگان راه مائوئیسم، به پا خاسته و دو دقیقه سکوت نمودند.

ابتدا اجندای جلسه توسط دفتر سیاسی در پلنوم پیش‌نهاد گردید. و سپس پلنوم توسط رفیق لهیب شروع شد و رفیق دست‌آوردها، کمبودات، عقب‌گردهای حزب را از زمان ایجاد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تا کنون به صورت مختصر این‌گونه بررسی نمود.

رفقا!

بیست و یک سال پیش حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان ایجاد گردید. حزب ما در طی بیست و یک سال مسیر مبارزاتی پر فراز و نشیب و مملو از مساعدت‌ها و نامساعدت‌ها، فرصت‌ها و مخاطرات و دستاوردها و عدم دستاوردها را طی کرده است. هرگاه پراتیک مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را از زمان برگزاری موفقیت‌آمیز کنگره وحدت تا حال در عرصه‌های مختلف مبارزاتی در نظر بگیریم، به خوبی مشاهده خواهیم نمود که عرصه پراتیکی حزب شامل دست‌آوردها و پیشرفت‌ها و هم شامل ضایعات و عقب‌گردها بوده و حتی بعضی از اعضای حزب به انحرافات عمیق ایدئولوژیک - سیاسی گرفتار شده اند. ما باید طبق اصول مائوئیستی هم دست‌آوردها و پیشرفت‌ها و هم ضایعات و عقب‌گردهای مان را به ارزیابی بگیریم و عقب‌گردها و نواقص خود را نشانی نموده و جداً مورد انتقاد قرار دهیم، تا بتوانیم مشکلات پیش آمده را مرفوع نموده و یا آن را به حداقل برسانیم.

امروز در درون حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، مشکلاتی وجود دارد که در راه تطبیق مشی عمومی حزب موانع ایجاد می‌کند. حزب بدون اصلاح کامل این مشکلات قطعاً قادر نخواهد بود وظایفی را که مبارزه انقلابی در افغانستان بر عهده اش گذارده است، انجام دهد. علل بروز این مشکلات از کجا ناشی می‌شود؟ بدیهی است که سرچشمه پیدایش این‌گونه مشکلات در حزب از آن جایی است که نظریات روشنفکرانه خرده بورژوازی هنوز در حزب موجود است و باید با آن مبارزه صورت بگیرد. شما چه خواهید و چه نخواهید روشنفکر دارای منشأ خرده بورژوازی است. این افکار به شکلی از اشکال در درون حزب رخنه نموده است. آن عده از رفقای حزب که به صورت درست نتوانسته اند مارکسیسم - لیننیسم - مائوئیسم را درک نمایند، و یا به عبارت دیگر تلاش جدی برای آموزش مارکسیسم - لیننیسم - مائوئیسم به خرچ نداده اند، نظرات نادرست، بیشتر گریبان‌گیرشان گردیده است. یکی از علل مهم وجود و رشد چنین نظرات نادرست این است که ارگان‌های رهبری حزب علیه این گونه نظرات نادرست توجه جدی ننموده و اعضای حزب را به اندازه کافی با روح و مشی صحیح حزب پرورش نداده اند.

از یک طرف مبارزه ناکافی علیه نظرات نادرست و از طرف دیگر نظام حاکم طالبانی، زمینه ساز آن شد که بسیاری از رفقا پاسیفیزم خود را زیر نام مخفی کاری توجیه کنند. هم‌چنان باید اذعان نمود که مبارزه امپریالیسم با فئودالیسم نه به منظور سرنگونی آن، بلکه به منظور استحاله نمودن آن صورت می‌گیرد و اگر این نکته درک نگردد، هرگونه موضع‌گیری درست و اصولی به پیش نخواهد رفت. به همین خاطر هم بود که صدر مائوتسه

دون به صراحت چنین بیان کرده است: « بسیاری از اعضای حزب فقط از لحاظ تشکیلاتی عضو حزب اند، ولی هنوز از لحاظ ایدئولوژیک کاملاً و یا اصلاً به حزب نپیوسته اند... آن‌ها نمی‌دانند که ایدئولوژی پرولتاریائی، کمونیسم و حزب چیست؟ » (مائوتسه دون - منتخب آثار - جلد سوم - صفحه 142)

طبق گفته مائوتسه دون، هرگاه رفقا درک کنند که «ایدئولوژی پرولتاریائی، کمونیسم و حزب چیست؟» هرگز به موضع‌گیری‌های نادرست نخواهند غلطید. برای رفع این مشکل باید که به مارکسیسم - لنینیسم - مائوتیسم مراجعه نموده و دقیقاً آن را بیاموزیم. امید است که رفقا در این مورد عطف توجه نموده و در این پلنوم راه حلی ارائه دهند.

به تعقیب آن رفقای کمیته مرکزی پیرامون اجندای پیش‌نهادی دفتر سیاسی حزب با دقت بحث و تبادل نظر نموده و به نتیجه‌گیری‌های ذیل نایل آمدند. درین‌جا مختصراً چند فیصله از مهم‌ترین فیصله‌های این پولینوم را بر می‌شماییم:

1. در مورد پاسیفیزم:-

پاسیفیزم یک شبهه به وجود نمی‌آید، بل که یک پروسه است. هرگاه علیه این پدیده شوم مبارزه صورت نگیرد، نه تنها که مشکلات فراوانی بوجود می‌آورد، بل که حزب را به قهقرا سوق می‌دهد. صدر مائوتسه دون می‌گوید: «همان‌گونه که می‌گوییم، اگر اتاکی به‌طور منظم تمیز نشود، گرد و غبار در آن جمع می‌شود؛ اگر صورت‌مان را مرتب نشوییم، گرد و غبار بر آن می‌نشیند. ذهن همکاران ما و فعالیت حزب ما نیز ممکن است گرد و غبار جمع کند و نیاز به جارو زنی و شستشو دارد.» گزارش به دومین پلنوم هفتمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین 5 مارس 1949 آثار منتخب جلد 4

هدف رفیق مائوتسه دون از پاک نمودن گرد و غبار، پاک نمودن گرد و غبار ایدئولوژی بورژوازی است. مبارزه با پاسیفیزم، نیز به معنای زدودن گرد و غبار ایدئولوژی بورژوازی است. رفقای که به این مرض مزمن گرفتارند، یگانه راه علاج شان واکسین ضد پاسیفیزم است. یعنی مطالعه دقیق و عمیق مارکسیسم - لنینیسم - مائوتیسم و تطبیق آن در عمل است.

ما باید با صراحت بر خویش انتقاد نماییم زیرا به اساس گفته کارل مارکس و فریدریش انگلس: « کمونیست‌ها عار دارند که نظریات خویش را پنهان نمایند. آنان آشکارا اعلان می‌کنند که هدفشان چیزی نیست مگر سرنگونی قهری تمامی نظم اجتماعی موجود. طبقات حاکم باید از انقلاب کمونیستی بترسند. پرولتاریا چیزی برای از دست دادن ندارد مگر زنجیرهای خود را، اما جهانی برای بدست آوردن دارد.»

با تاسی ازین بیانات، باید با صراحت گفت که عدم مبارزه جدی و پی‌گیر علیه نظرات نادرست زمینه‌ساز رشد پاسیفیزم در درون حزب گردیده، و این حرکت غیر اصولی تا آن‌جا ریشه دوانده که دامن بعضی و فقط بعضی از رفقای کمیته مرکزی را نیز گرفته است. حزب با مبارزات فعال ایدئولوژیک - سیاسی رشد و استحکام می‌یابد و گسترش پیدا می‌کند، فراموش نمودن مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی نه تنها این که حزب را ضربه می‌زند، بل که به سوی فروپاشی و انحلال سوق می‌دهد. تجارب بیست و یک ساله حزب ما به خوبی بیان‌گر این مدعا است.

در شرایط کنونی که طالبان حاکم در کشور هستند و انقلابیون مورد پیگیرد قرار دارند، اصول مخفی‌کاری را باید بیاموزیم. اصول مبارزه و برخورد با پولیس مخفی را بیاموزیم و این آموزش‌ها یک اصل است که ما باید بدان توجه ویژه داشته باشیم. بر مبنای اصول پنهان‌کاری و پنهان‌پژوهی است که می‌توانیم به تبلیغ و ترویج پردازیم، نشرات حزبی را مطالعه نماییم، نشرات حزبی را انتقال داده و نشر و پخش نماییم، در غیر آن اگر تحت نام این‌که طالبان شرایط خفقان‌آوری را در افغانستان ایجاد نموده از تلاش دست بکشیم، بدین معناست که راه را برای پاسیفیزم باز نموده ایم. اما پلنوم به این نتیجه‌گیری رسید که شرایط برای مبارزه علیه امارت اسلامی طالبانی و حامیان امپریالیسم اشغال‌گر شان و هم‌چنین بسیج توده‌ها و نسل جوان کشور بیشتر از پیش بوجود آمده است. یا به عبارت دیگر مبارزه علیه رژیم طالبانی و حامیان امپریالیست شان نسبت به دوران رژیم پوشالی کرزی - غنی آماده‌تر است. ما با چشم سر مشاهده می‌کنیم که روز به روز موج نفرت و انزجار علیه طالبان بیشتر و بیشتر می‌گردد و توده‌های ستم‌دیده و به خصوص زنان کشور نسبت به دوران رژیم پوشالی کرزی - غنی حاضر و آماده تر برای مبارزه علیه این رژیم اند. ما باید این مبارزه را به دیده قدر نگریسته و هرچه بیشتر تلاش نمائیم تا این مقاومت را سمت و سوی انقلابی بدهیم.

ما در بسیاری از پلنوم‌های کمیته مرکزی صریحاً بیان نمودیم که حزب ما از لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی هنوز استحکام نیافته است. علل عدم استحکام حزب را در عدم آموزش آثار کلاسیک و اسناد حزبی بررسی نمودیم و راه حل آن را ارائه کردیم.

پلنوم پنجم به این نتیجه‌گیری رسید که یگانه راه حل این معضل، مطالعه، باز هم مطالعه و باز هم مطالعه است. تمامی اعضای حزب از صدر تا ذیل باید آثار رهبران انقلاب را با اسناد حزبی به طور دقیق مطالعه نمایند. در این‌جا منظور از مطالعه آثار کلاسیک و اسناد حزب مطالعه واقعی آن‌ها

است یعنی باید این آثار و اسناد دقیق مطالعه گردد و هضم شود. هرگاه رفقا زحمت چنین کاری را به خود بدهند با اطمینان می‌توان گفت که حزب نه تنها بر پاسیفیزم غلبه خواهد نمود، بل که از استحکام و گسترش بیشتری برخوردار خواهد شد، و راه را برای تدارک و برپایی جنگ خلق هموار خواهد ساخت.

صدر مائوتسه دون به وضاحت درین زمینه بیان کرده است که:

« بالاخره ما باید به خود تکانی دهیم و در مطالعه سخت جدیت کنیم. این سه کلمه را علامت بگذارید، "سخت"، "جدیت"، "کردن" ما باید به خود تکانی داده سخت جدیت کنیم. در حال حاضر بسیاری از رفقای ما سخت جدیت نمی‌کنند و بعضی‌ها انرژی اضافی خود را بعد از کار عمده صرف ورق بازی و بازی ماژنگ و رقص می‌کنند. من فکر می‌کنم این بد است. ما باید انرژی اضافی بعد از کار مان عمده وقف مطالعه کنیم. مطالعه را باید به عادت تبدیل نماییم. چه چیز را باید مطالعه کرد؟ یکی مطالعه مارکسیزم - لنینیزم است، دیگری تکنولوژی و سومی علوم طبیعی. علاوه بر این‌ها، ادبیات و بویژه تیوری‌های ادبیات است که کادرهای رهبری باید قدری راجع به آن‌ها بدانند. آن‌ها باید مقداری هم دانش روزنامه نگاری و تعلیم و تربیت داشته باشند. به طور خلاصه طیف وسیعی از دانش وجود دارد، که ما باید درکی عمومی از آن‌ها داشته باشیم چون که قرار است ما بر این امور رهبری نماییم! افرادی مثل ما را چه نوع متخصصینی می‌توان نامید؟ ما را می‌توان متخصص سیاسی نامید. چگونه قادر می‌شویم بدون داشتن دانش درباره این مطالب پیش رویم و بر آن‌ها رهبری اعمال کنیم؟» (مائوتسه دون - جلد دوم - مجموع آثار - صفحه 448 - 449 - مصحح عزیرالله علیزاده)

برای این که حزب بر پاسیفیزم غلبه نماید و استحکام پیدا کند، نیاز به آموزش و تربیت ایدئولوژیک در مبارزات سترگ سیاسی دارد. بدون انجام این وظیفه هرگز قادر نخواهیم بود که وظایف سیاسی خود را به پیش ببریم. کمبود آموزش و تربیت ایدئولوژیک سیاسی ضعف و نواقص جدی را برای ما بار خواهد آورد همان‌طوری که تا الحال به بار آورده است. اولین نکته ضعف این است که بسیاری از رفقا جرأت کار در میان جوانان را ندارند و بسیاری از رفقا هنوز برای کار در میان جوانان و جلب شان از خود آمادگی نشان نمی‌دهند. تا زمانی که رفقا این جرأت را کسب نکنند، هرگز نمی‌توانند پاسیفیزم را از خود دور سازند و از استحکام ایدئولوژیک - سیاسی برخوردار گردند. پلنوم پنجم به این فیصله دست یافت که رفقای سطوح بالا باید کار آموزشی را با این رفقا پیش ببرند تا این نقیصه رفع و رفقا از موضع حزب دفاع کرده بتوانند.

چاره و راه حل این مشکل آن است که باید تلاش ورزیم تا معرفت سیاسی خود را بالا ببریم، ما باید جداً به مطالعه آثار کلاسیک به‌پردازیم و اسناد حزب (نشرات حزب) را به طور دقیق مطالعه نموده و حداقل اساس‌نامه حزب را یک بار در ماه به طور دقیق مطالعه نمائیم.

یک نکته را باید یادآوری کنیم که برای فرا گرفتن واقعی مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیسم نه تنها از خلال کتاب‌ها شان، بل که به طور عمده در تطبیق آن از طریق مبارزه طبقاتی، کار عملی و ارتباط نزدیک با توده‌های زحمتکش است که می‌توان به درک آن نایل آمد.

پاسیفیزم معمولاً به‌عنوان یک موضع ایدئالیستی، غیرانقلابی و حتی زبان‌آور ارزیابی می‌شود. چرا؟ چون مائوئیسم بر این باور است که تضادهای اساسی جامعه طبقاتی بدون مبارزه قهرآمیز (انقلابی) حل نمی‌شوند و طبقه حاکم هرگز داوطلبانه قدرت را واگذار نمی‌کند. «تاریخ همه جوامع تا به امروز، تاریخ مبارزه طبقاتی است» و طبقه حاکم قدرت را با خواهش و مذاکره واگذار نمی‌کند. از این نظر، پاسیفیزم چشم بر واقعیت ستم و زور می‌بندد. همانند حاکمیت فعلی که امارت اسلامی طالبان بر اریکه قدرت تکیه زده و ما بخواهیم بر واقعیت ستم و زور چشم ببندیم، این خود بخشی از پاسیفیزم است. پاسیفیزم می‌تواند به تسلیم طلبی ملی و طبقاتی بیانجامد، زیرا امپریالیسم و استعمار با خشونت مسلحانه سرکوب می‌کنند، پس جنبش‌های آزادی‌بخش نیز باید آمادگی قهر انقلابی از طریق برپایی جنگ خلق را داشته باشند. در غیر آن پاسیفیزم در چنین شرایطی **شکل دیگری از تسلیم‌طلبی ملی و طبقاتی را با خود حمل خواهد کرد.**

شعار معروف صدر مائوتسه دون مبنی بر این که «قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می‌شود» در حل تضاد اساسی و تضاد عمده کاملاً صادق است، زیرا بدون جنگ انقلابی تغییر بنیادین ممکن نیست. پاسیفیزم در نقطه مقابل این شعار معروف مائوتسه دون قرار دارد.

به بیان ساده تر باید گفت که برای مائوئیست‌ها، پاسیفیزم یک رویکرد اخلاقی آرمان‌گرایانه است که در دنیای واقعی مبارزه طبقاتی، اغلب به نفع ستم‌گران تمام می‌شود. مائوئیست‌ها به جای «رد قهر»، به «قهر انقلابی هدفمند» به‌عنوان ابزار رهایی‌بخش باور دارند. بدین اساس است که ما روی آموزش و تربیت ایدئولوژیک سیاسی بر مبنای اصول مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیسم درین پلنوم تأکید می‌ورزیم.

2. در مورد اصل انتقاد و انتقاد از خود

ماده سوم آئین نامه تشکیلاتی در مورد انتقاد و انتقاد از خود چنین بیان می‌دارد:

«**ماده سوم:** اجرای جدی و پیگیر اصل انتقاد و انتقاد از خود در کل بدنه تشکیلاتی و در تمامی سطوح رهبری حزب جهت شناسایی کمبودات و اشتباهات اعضا و سازمان‌های حزب و رفع آن‌ها یک امر حیاتی است. اصل انتقاد و انتقاد از خود مبین انتقاد از خود و انتقاد از دیگران است.»

این ماده بیان‌گر آنست که تمامی اعضا و داوطلبان عضویت باید اصل انتقاد و انتقاد از خود را به طور جدی و پی‌گیر اجرا نمایند. انتقاد از خود به معنای درک کمبودات و اشتباهات خود بوده و نفی این نواقص و ارتقای جنبه‌های مثبت در وجود خود می‌باشد. انتقاد از دیگران نیز همین گونه است. مهم‌ترین معیار دقیق سنجش یک حزب سیاسی و حتی یک فرد مائوئیست در برخورد به اشتباهات و کمبوداتش می‌باشد. این معیار بیان‌کننده آن است که یک حزب سیاسی و یا یک فرد مائوئیست چقدر در برخورد با اشتباهاتش جدی است و چگونه می‌تواند در عمل نشان دهد که از اشتباهات گسست نموده است. سلاح انتقاد از خود، نه تنها که به استحکام حزب کمک می‌کند، بل که پیوند حزب با توده‌ها را نیز مستحکم می‌نماید.

صدر مائوتسه دون درین زمینه به وضاحت مطرح نموده است که: «انتقاد باید صریح باشد. من در این کنفرانس انتقاد تعدادی از رفقا را چندان صریح نیافتم. به نظر می‌رسد که آن‌ها از رنجاندن دیگران واهمه دارند. اگر شما بقدر کافی صریح نباشید، اگر نیش به قلب نرسد، فرد مورد انتقاد دردی احساس نکرده و توجه و اعتنایی نیز نخواهد کرد. فرد را با نام و اداره مربوطه اش مشخص کنید. کار تو بد بوده است و من راضی نیستم و اگر احساس رنجش می‌کنی، خوب بکن. ترس از رنجاندن دیگران تنها ترس رنج از دست دادن رای است و ترس از مناسبات ناراحت‌کننده در کار با دیگران. آیا اگر شما به من رای ندهید من کاسه برنجم را از دست خواهم داد؟ به هیچ وجه چنین نیست. در واقع، اگر شما فکرتان را بگوئید و مسایل را صریحاً درک کنید در این صورت همکاری دیگران را آسانتر خواهید کرد. شاخ‌های تانرا تو نکشید. گاو نر چرا دوشاخ دارد؟ برای جنگیدن، دفاع از خود و حمله. من اغلب از رفقا می‌پرسم که آیا روی سرشان شاخ دارند یا خیر. رفقا به سرشان دست بزنید و ببینید شاخ دارید یا نه. رفقای را می‌بینم که شاخ دارند ولی زیاد تیز نیست و سایرین اساساً شاخ ندارند، به عقیده من بهتر است که شاخ داشت و این چه به نفع مارکسیزم است. یکی از اصول مارکسیزم انتقاد و انتقاد از خود است.» (مائوتسه دون - مجموع آثار (بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها و سخنرانی‌ها) جلد دوم - صفحه 186 - 187 - سخنرانی در کنفرانس کشوری

حزب کمونیست چین - 21 مارس 1955) مصحح عزیزالله علیزاده

بدین اساس است که ما باید اول از خود شروع کنیم. بگذارید صریح باشیم و بطور شفاف حرف بزنیم. در قدم اول موفق نشدن و بی نتیجه ماندن فعالیت‌ها نتیجه کم کاری "دفتر سیاسی" و "کمیته مرکزی حزب" است. این کم کاری زمینه ساز آن شده تا فیصله‌های حزب به طور کامل تطبیق نگردد. عملی نکردن فیصله‌ها، زمینه ساز پاسیفیزم در حزب گردیده است.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیسم را به مثابه ایدئولوژی رهنمای اندیشه و عمل خود پذیرفته و به کار می‌بندد. ما نمی‌توانیم به عقب برگردیم و باید به پیش برویم، باید در راه استحکام و گسترش گام برداریم و نظرات نادرست در حزب را اصلاح کنیم. سطح آگاهی رفقا را بالا ببریم و شیوه تربیت کادرها را بیاموزیم و بیاموزانیم.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان معتقد است که جنبه مهم گسترش تشکیلات حزب، گسترش آن به محلات روستایی است. رفقا باید توجه بیشتر به روستاها داشته باشند و بین دهاقین که نیروی عمده انقلاب هستند کار نمایند. فلسفه علمی را بین توده‌ها ببرند و تمرکز کارشان باید در روستاها باشد و مطابق اصل محاصره شهرها از طریق دهات عمل نمایند. از توده‌ها بیاموزند و دوباره به توده‌ها بیاموزانند، در غیر آن روحیه شهرنشینی و روحیه انتقال از روستا به شهر حاکم خواهد شد.

با کمال تأسف که روحیه خود بخودی موجود در بین بسیاری اعضا، داوطلبان عضویت و هواداران حزب، به تبعیت از روحیه عمومی موجود در میان مردم، روحیه شهرنشینی و روحیه انتقال از روستاها به شهرها است. ما باید خلاف این جریان شنا کنیم و برای گسترش تشکیلات حزب به محلات روستایی برنامه‌ای روی دست بگیریم. این بحث بدان معنا نیست که ما گسترش تشکیلات حزب در شهرها را نادیده گرفته ایم، البته گسترش اعضای حزب و داوطلبان عضویت در حزب در درون شهرها نیز یک جنبه مهم گسترش تشکیلات حزب محسوب می‌گردد؛ ولی به محلات روستایی باید عطف توجه بیشتری نمود.

انتقاد از خود جرأت و شهامت می‌خواهد، این جرأت و شهامت را فقط مائوئیست‌ها دارند. رفقا نباید فکر کنند که هرگاه از دیگران و یا از خود صریحاً انتقاد نمایند شخصیت طرف مقابل و یا خودشان له می‌گردد. تمام رفقا از هیأت رهبری گرفته تا اعضا و داوطلبان عضویت باید نمونه تیپیک از یک مائوئیست بوده و رک و صریح از خود و از دیگران انتقاد نمایند، و به هیچ عنوان انتقاد و انتقاد صریح را ضربه روحی به رفیق تلقی نکنند. هرگز انتقاد از خود را کسر شأن تلقی نکنند، زیرا انتقاد به منظور ارتقاء نیروی رزمنده حزب است. بنا به قول مائوتسه دون «انتقاد صادقانه درون حزبی که

بی‌دریغ تمام اشتباهات سیاسی و تشکیلاتی حزب را بر ملا می‌کند، نه تنها از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک حزب را از ابتلا به امراض لیبرال منشانه بورژوازی بر حذر می‌دارد، بلکه خود "سلاحیست که به امر استحکام تشکیلات حزب و تقویت نیروی رزمنده حزب خدمت می‌کند." (مائو تسه دون -

در باره اصلاحات نظرات نادرست در حزب - ساختمان حزب - صفحه 9) (تأکید از ماست)

.....

.....

3. نقض انضباط حزبی

مشى عمومى حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بر سانتراлизм دموکراتیک که در آن سانتراлизм عمده است تأکید می‌ورزد. یعنی اعضا آزادند قبل از تصمیم‌گیری بحث کنند، اما وقتی تصمیم جمعی گرفته شد، همه باید بدون تردید آن را اجرا کنند. چرا این بحث مهم است؟ زیرا این اصل، یک اصل مائوئیستی است و بدون انضباط، عملاً فرو می‌پاشد.

صدر مائو می‌گفت: «بدون انضباط آهنین، ارتش سرخ نمی‌تواند حتی یک روز دوام بیاورد.»

چه در کار مخفی، چه در کار توده‌ای یا عملیات مسلحانه، هر عضو حزب باید بداند که پایبندی به دستورات و برنامه واحد، شرط موفقیت است. مائوئیزم فردگرایی، بی‌تفاوتی و خودسری را آفت حزب انقلابی می‌داند. انضباط، تضمین می‌کند که خط مشی حزب بر پایه جمع و تجربه توده‌ها پیش برود، نه خواست شخصی افراد. انضباط فقط به معنای «اطاعت کور» نیست، بلکه باید همراه با روحیه خدمت به خلق باشد. صدر مائو تأکید می‌کرد که رفتار منظم، صداقت و پایبندی به اصول، باعث جلب اعتماد توده‌ها به حزب می‌شود. احزاب مائوئیستی معمولاً زیر فشار پلیس، ارتش، و جنگ روانی قرار دارند. انضباط سخت، جلوی رخنه دشمن، پراکندگی تشکیلاتی و شکستن جبهه متحد را می‌گیرد.

به زبان ساده، برای یک حزب مائوئیستی، انضباط حزبی همان ستون فقرات حزب است: بدون آن، سازمان به سرعت متلاشی یا بی‌اثر می‌شود، و با آن، حتی در شرایط سخت می‌تواند دوام بیاورد و پیشروی کند.

متأسفانه حزب ما در طول مدت بین دو پلنوم گذشته، و نظر به گزارش واحدهای منطقوی، شاهد نقض انضباط حزبی توسط بعضی از رفقا بوده است، که باید اصلاح گردد و در غیر آن حزب با ضربات جبران ناپذیر مواجه خواهد گردید. نقض انضباط حزبی بدین مفهوم است که فیصله‌های به عمل آمده توسط حزب را یا اصلاً اجراء نکنیم و یا اینکه اهمیتی بدان قایل نشویم و یا اگر اجراء کنیم بطور ناقص اجرا نماییم که این خود به قول صدر مائو تسه دون «نشانه‌ای از پوچیزم» است و «منشأ اجتماعی پوچیزم عبارت از پیوند ایدئولوژی لومپن پرولتاریا با ایدئولوژی خرده بورژوازی است.» (در باره اصلاح نظرات نادرست در حزب)

در گزارش سیاسی به دومین کنگره سرتاسری حزب می‌خوانیم:

«ما باید جداً توجه داشته باشیم که یک حزب مائوئیستی باورمند به استراتژی مبارزاتی جنگ خلق و در حال تدارک برای برپایی و پیشبرد چنین جنگی، باید حزب آهنینی باشد که اعضای آن نظم تشکیلاتی را دقیقاً رعایت کنند، انضباط حزبی را قویاً در نظر بگیرند، سلسله مراتب تشکیلاتی حزبی را بصورت نیرومندی پاسداری کنند و در یک کلام نمونه انضباط، دسیپلین و رعایت اصول و احکام تشکیلات حزبی باشند و نه عناصر لیبرال بی انضباط که پیوسته از نظم تشکیلاتی فرار نمایند.»

ده سال از این گزارش می‌گذرد، اما مشاهده می‌شود که بعضی از رفقا از نظم تشکیلاتی فرار می‌کنند. ما باید طبق مشی عمومی حزب مان حرکت نماییم و آن قواعد و روش‌هایی که دیگر مفید نیستند تغییر دهیم. تنها بدین گونه می‌توان مسایل را حل کرد و بر مشکلات پدید آمده فائق آمد. برای فائق آمدن بر این مشکلات به کادرها و جانشینان انقلابی ضرورت داریم. ما باید در ضمن پیش‌برد مبارزات درونی به تربیت کادرها نیز عطف توجه نماییم. هر گاه ما نتوانیم کادرها و جانشینان انقلابی را تربیه نماییم، به یقین می‌توان گفت که به سر نوشت حزب کمونیست سیلون دچار خواهیم شد. این مطلب در گزارش سیاسی به دومین کنگره سرتاسری حزب با صراحت چنین بیان گردیده بود:

«کم توجهی و در مواردی حتی بی توجهی به تربیت کادرها و جانشینان انقلابی در حزب، یک مشکل مهم در حزب ما است که اگر هرچه زودتر اصلاح نگردد، حزب ما در طی سال‌های آینده به سرنوشت حزب کمونیست سیلون دچار خواهد شد. حزب مذکور یکی از احزاب پیشرو در تشکیل

جنبش انقلابی انترناسیونالیستی بود، ولی چون نتوانست امر تربیت جانشینان انقلابی در حزب را متحقق سازد، بعد از درگذشت رهبر بنیانگذارش در معرض فروپاشی قرار گرفت و وقتی یکی دو تن دیگر از رهبران آن حزب نیز درگذشتند، کل حزب فروپاشید و حتی نام آن از لیست اعضای جنبش انقلابی انترناسیونالیستی حذف گردید.»

پس از ده سال متأسفانه که به طور شاید و باید نتوانستیم جانشینان انقلابی را تربیت نمائیم. علت اساسی این امر آنست که به صورت درست و اصولی علیه نظرات نادرست در درون حزب مبارزه صورت نگرفته است. وقتی رفیقی که اشتباه نموده برای این که آزوده خاطر نشود رفقا جای مبارزه علیه اشتباهاتش، مصلحت گرایی را ترجیح داده اند. در حالی که اصول مارکسیستی — لنینیستی — مائوئیستی حکم می کند: هر زمانی که اختلافی در درون حزب ایجاد می شود، وظیفه هر یک از اعضا و داوطلبان عضویت حزب است که اختلافات را ریشه یابی نموده و با دقت کامل مورد غور و بررسی قرار دهند، و صادقانه طرف درست را بگیرند یا به عبارت دیگر موضع خود را مشخصاً بیان نمایند و به این طریق مبارزات درون حزبی را دامن زنند، نه این که سکوت نموده و آن را به جریان حوادث بسپارند. مصلحت گرایی به هیچ وجه مورد قبول نیست، زیرا هیچ مصلحتی بالاتر از مصلحت اصول نیست. حزب ما زمانی می تواند جنبش کمونیستی افغانستان را در شاهراه مارکسیزم — لنینیزم — مائوئیسم به پیش برد و وحدت حزب را استوار نگه دارد که رفقای ما روی مصلحت اصول پا فشاری کنند. گرچه بعضی رفقا دقیقاً درک می کنند که نظرات فلان رفیق درست نیست، سکوت می کنند. سکوت هم نشانه از مصلحت گرایی است. مصلحت گرایی خلاف اصول مارکسیستی — لنینیستی — مائوئیستی است. و به قول صدر مائوتسه دون نشانه از لیبرالیزم می باشد.

حزب ما تجاری از این مصلحت گرایی دارد، در طول دوران حیات حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تلاش صورت گرفته تا مشکلات پدید آمده با مصلحت گرایی حل و فصل گردد. نتیجه زیان بخش آن را بعد از درگذشت و حتی در زمان حیات رفیق ضیاء به خوبی مشاهده نمودیم. تکرار اشتباه نقض انضباط حزبی و خطای سیاسی بزرگ است.

ما در زمان حیات رفیق ضیاء هم بار بار مشاهده نمودیم که بعضی از اعضای حزب به خودسری و بی انضباطی دست زدند و آشکارا مواد آئین نامه تشکیلاتی را نقض نمودند، اما جای مبارزه جدی درونی و افشاء بی رحمانه این حرکات نادرست، مسامحه صورت گرفت، قصور در راه اندازی مبارزه علیه نقض صریح اساس نامه و عدم مبارزه علیه خودسری ها و بی انضباطی، راه را برای انحلال طلبی و پاسیفیزم باز نمود. کمیته مرکزی بعد از درگذشت رفیق ضیاء به صورت اساسی توانست که مسأله انحلال طلبی را حل کند و حزب را از انحلال قطعی نجات دهد. امروز باید که کمیته مرکزی و تمامی کادرهای حزب یک پارچه علیه پاسیفیزم، خودسری و بی انضباطی به مبارزه برخیزند، به یقین می توان گفت که از طریق چنین مبارزه می توان این بلایا را ریشه کن نمود.

آیا رفقا تا کنون از خود سوال نموده اند که اوضاع و شرایط کنونی افغانستان چه مسایلی را در برابر ما قرار داده است؟ هرگاه رفقا این پرسش را از خود می نمودند، حتماً راه حلی به آن پیدا می کردند.

درست است که مشی عمومی حزب ما کاملاً صحیح است. مشی صحیح به تنهایی کافی نیست، باید آن را دقیقاً به کار بست و به آن پایبند بود، و روح خود را باید طبق این مشی عمومی پرورش داد. و مشی صحیح را به میان توده ها برد. وقتی بعضی از رفقا به کار تبلیغی و ترویجی، گزارش دهی و گزارش گیری اهمیتی نمی دهند، چگونه می توانند مشی عمومی حزب را به میان توده ها ببرند. برای این که رفقا بتوانند مشی عمومی حزب را بکار بندند و سبک برخورد خود را در درون و بیرون حزب طبق مشی عمومی حزب عیار سازند، باید به سبک آموزش خود تجدید نظر نمایند. بر ما لازم است تا مارکسیزم — لنینیزم — مائوئیسم را به طور دقیق بیاموزیم. در غیر این صورت دچار ذهنی گرایی خواهیم شد. ذهنی گرایی در تناقض با مارکسیزم — لنینیزم — مائوئیسم قرار دارد. مسأله سبک آموزشی شیوه تفکر ارگان های رهبری و یکی از اصول مائوئیستی است، که صدر مائوتسه دون نیز بدان تاکید نموده است. صدر مائوتسه دون برای اصلاح سبک کار حزب چنین گفته است:

«مسأله سبک آموزش عبارت است از شیوه تفکر ارگان های رهبری و تمام کادرها و اعضای حزب، برخورد ما به مارکسیزم — لنینیزم و برخورد کلیه رفقای حزبی به کار خویش، بدین ترتیب مسأله دارای اهمیت فوق العاده، دارای اهمیت درجه اول است.» (مائوتسه دون سبک کار حزبی را اصلاح کنیم — اول فوریه 1942)

ما باید تمام روزه هایی که در تخالف با مارکسیزم — لنینیزم — مائوئیسم قرار دارد ببندیم، زیرا چنین روزه هایی زینده یک حزب مائوئیستی نیست. امروز در درون حزب بادهای ناسالمی از قبیل پاسیفیزم، نقض انضباط حزبی می وزد و پیوسته ایجاد مزاحمت می کند. بنا بر این بر ما لازم است که علیه آن مقاومت کنیم و با مبارزات جدی منشأ آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و ماهیت آن را افشا سازیم. راه اصلاح آن عبارت از راه اندازی مبارزه ایدئولوژیک — سیاسی و انتقاد جدی از نظرات نادرست و تقویت کار تربیتی است. در گزارش سیاسی به دومین کنگره سرتاسری حزب چنین می خوانیم:

«رفع این مشکل هیچ راه دیگری ندارد جز پیشبرد یک مبارزه خطی آموزش دهنده در مورد شیوه مناسب مبارزات خطی درونی بر مبنای فرمولبندی مائوئیستی وحدت- مبارزه- وحدت از یک جانب و پیشبرد مبارزات قاطع و در عین حال سازنده خطی درونی و راه باز کردن وسیع برای انتقادات درون حزبی اصولی و سالم در تمامی سطوح تشکیلات حزب.»

این موضوع باید در دفتر سیاسی، کمیته مرکزی و کمیته های منطقه ای مورد بحث قرار گیرند. و از این طریق به مبارزات دامن زده شود. دامن زدن به مبارزات به معنای آموزش درست دیالکتیک ماتریالیستی است.

رفقا ما نمی توانیم ادعا کنیم که محیط روی ما اثر نمی گذارد. یا به عبارت دیگر حزب و خود را از محیطی که در آن زندگی می کنیم جدا بدانیم. ما نمی توانیم ادعا کنیم هر کسی به حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به پیوند صد درصد مارکسیست - لنینیست - مائوئیست است. تجارب بیست و یک ساله حزب این را به خوبی نشان داده است.

این طور نیست که هر کسی به محض این که به عرصه کمونیسم پا گذاشت باید صد در صد مارکسیست باشد. در هر حزب کمونیست در واقعیت، طیف گوناگون از مارکسیست ها - لنینیست - مائوئیست ها وجود دارند. هم در حزب مارکسیست - لنینیست - مائوئیست های 100 در صد وجود دارد، و هم مارکسیست - لنینیست - مائوئیست های 10 یا 20 درصد. به همین گونه افکار و نظرات گوناگونی در هر حزب کمونیست تبارز می کند. وظیفه انقلابیون مائوئیست است که در درون حزب علیه نظرات نادرست بایستند و مبارزه کنند.

بناءً جو حاکم روی بسیاری رفقای ما اثرات خود را بر جا می گذارد. هرگاه به آن با جدیت مبارزه صورت نگیرد و مورد انتقاد واقع نشود بخواهی نخواهی افکار غیر مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی جای اصولیت را خواهد گرفت. برای این که بتوانیم نظم حزبی را برقرار نمائیم، باید ابتدا از لحاظ ایدئولوژیک در درون حزب نظم بر قرار شود. این کار ممکن نیست مگر از طریق راه اندازی یک مبارزه جدی درون حزبی.

بدین صورت، پلنوم پنجم یکبار دیگر بر سانترالیزم دموکراتیک که در آن سانترالیزم عمده است تأکید ورزید و رفقا را به راه اندازی یک مبارزه جدی درون حزبی بخاطر جلوگیری از نقض انضباطات حزبی تشویق و ترغیب نمود.

4. مسائل مالی در پیوند نقض انضباط حزبی و پاسیفیزم:

کنگره دوم و سوم کمیته مرکزی حزب گرچه عدم پرداخت حق العضویت ها و یا پرداخت غیر منظم و ناکافی حق العضویت ها را بعنوان فساد مالی نشانی نموده و مورد نکوهش قرار داده بود، با آن هم بعد از سپری شدن هر دو کنگره این مشکل نه تنها پا بر جا ماند، بل که تعدادی از رفقا حق العضویت های شان را نسبت به قبل از کنگره سوم تقلیل دادند و یا این که هیچ نپرداختند. این برخورد رفقا در حزب در حقیقت امر نقض آشکار اصل آئین نامه تشکیلاتی و توصیه های حزبی است. عدم پرداخت حق العضویت ها و یا پرداخت ناکافی و غیر منظم حق العضویت ها، حزب را به درجات مختلف در مضیقه مالی قرار می دهد و اجرای برنامه های مبارزاتی حزب را با مشکلات مواجه می سازد.

رفقا بخوبی می دانند که پرداخت حق العضویت به وقت معینه و بطور منظم یکی از شروط اولیه عضویت هر فرد در حزب است. هر گاه رفقا این اصل آئین نامه تشکیلاتی را در نظر نگیرند و حق العضویت شان را بطور ناقص و ناکافی و غیر منظم پرداخت نمایند در حقیقت شرط اولیه مذکور را به درجات مختلف خدشه دار ساخته و به انضباط حزبی زیان می رسانند.

هرگاه رک و صریح صحبت نمائیم وضعیت مالی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان قبل از کنگره دوم بهتر از وضعیت مالی حزب بعد از کنگره سوم بوده است. طوری که بیان گردید بعد از کنگره سوم حتی بسیاری از رفقا حق العضویت های شان را یا به نصف تقلیل داده اند و یا این که هیچ پرداخت نمی کنند.

پولینوم دوم کمیته مرکزی دوم دقیق توانسته انحراف ایدئولوژیک فساد مالی حزب را نشانی نماید. و مهم تر از همه گزارش سیاسی به کنگره دوم حزب تمام نقایص را بخوبی مشخص نموده و بعنوان خطوط متنافر آن ها را مورد انتقاد و نکوهش قرار داده است. این انحرافات ناشی از دو ضعفی است که در حزب ما وجود دارد: یکی سبک آموزش خود رفقا، و دوم ضعف رهبران در تربیه کادرهای لایق و شایسته و عدم تطبیق تیوری در پراتیک، طوری که در یک قسمت از فیصله های دومین پلنوم دوم کمیته مرکزی چنین صراحت یافته است:

«حزب ما از لحاظ مالی به پرداخت حق العضویت ها و سایر مکلفیت مالی اعضای حزب متکی است. بنابراین عدم پرداخت حق العضویت ها و سایر مکلفیت های مالی توسط اعضای حزب و یا پرداخت ناقص آن ها، حزب را به درجات مختلف در مضیقۀ مالی قرار می دهد و اجرای برنامه های مبارزاتی حزب را با مشکلات مواجه می سازند. به ویژه باید دقیقاً توجه داشت که طبق متن صریح اساسنامۀ حزب، پرداخت منظم حق العضویت یکی از شروط اولیۀ عضویت هر فرد در حزب است و عدم پرداخت آن، یا پرداخت ناکافی و غیر منظم آن، شرط اولیۀ مذکور را به درجات مختلف خدشه دار می سازد و به انضباط حزبی زیان می رساند.» (پلنوم دوم کمیته مرکزی دوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان)

برین مبناء این پلنوم چنین فیصله نمود: دفتر سیاسی، کمیته مرکزی، کمیته های منطقه یی و پایه یی حزبی و کمیته های هواداران حزب در خارج از کشور، مکلفیت دارند تا حق العضویت ها و سایر مکلفیت های مالی حزبی اعضای حزب در مناطق مربوطۀ شان را بطور منظم و به وقت معینه جمع آوری نمایند و صورت حساب آن را در گزارشات دو ماهۀ شان به کمیته مالی مرکزی حزب ارائه کنند. این کمیته ها مکلفیت دارند تا نصف عواید مالی واحدهای منطقه یی و پایه یی حزبی را به کمیته مالی مرکزی ارسال نمایند.

عدم پرداخت حق العضویت ها و سایر مکلفیت های مالی توسط اعضای حزب یا پرداخت ناقص و غیر منظم آن نشانه ای از فساد مالی حزب بشمار می رود. به عقیده ما این فساد مالی در اساس ناشی از ضعف ایدئولوژیک - سیاسی است و باید علیه آن در عرصۀ ایدئولوژیک - سیاسی به مبارزه پرداخت.

5. در مورد مبارزه برای ایجاد هم آهنگی و اتحاد میان منسوبین جریان دموکراتیک نوین افغانستان

در اخیر پلنوم پنجم دور سوم کمیته مرکزی یکی از رفقا از دید و باز دید با دو گروپ از رفقای منسوب به جریان دموکراتیک نوین و علاقه مندی این رفقا به وحدت میان منسوبین جریان دموکراتیک نوین گزارش داد. رفقا با علاقه مندی تمام از این حرکت رفقا استقبال نموده و بعد از جر و بحث های زیاد به این فیصله رسیدند که وحدت سراسری میان نیروها و شخصیت های مائوئیست و انقلابی ملی - دموکرات یک مسئولیت عاجل مبارزاتی در شرایط کنونی است.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان معتقد است که با تعمیق و گسترش مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی به خاطر تامین وحدت میان حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و مائوئیست های بیرون از حزب و آغاز همکاری های عملی مبارزاتی میان آن ها هرچه جدی تر و عمیق تر به پیش برده شود.

به قدرت رساندن دوبارۀ طالبان یکی از اجزای اصلی استراتژی جدید امپریالیست ها به سرمداری امپریالیست های اشغالگر امریکایی در افغانستان را تشکیل می دهد. امپریالیزم امریکا به خوبی می داند که طالبان نیروهای امتحان داده ای در افغانستان هستند که نتایج فاجعه بار حاکمیت های ارتجاعی شان، مردمان ما را تا مغز استخوان سوزانده است و قسماً هم اکنون نیز می سوزاند. ایدئولوژی و برنامه سیاسی به شدت ارتجاعی، شوونیستی، جاهلانه و استبدادی آن ها خود بخود زمینه های مناسب فریبکارانه برای عادلانه جلوه دادن طرحات ظالمانه و استعمارگرانه شان را فراهم می سازد. زن ستیزی مشمئز کننده، محدودیت اجتماعی و ملیتی طالبان ذاتی و غیرقابل التیام است. این وضعیت امیدواری امپریالیزم امریکا را برای انقیاد قطعی و درازمدت بر مردمان ما را بیشتر می سازد.

با توجه به این مسائل، برای برپایی و پیشبرد یک مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی سرتاسری، بر محور مقاومت مسلحانه و به بیان روشن تر جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی، علیه امارت اسلامی طالبان و حامیان اشغالگر امپریالیست شان، نه تنها از لحاظ پیوند دادن مقاومت ضد طالبانی و حامیان اشغال گر شان با انقلاب اجتماعی مورد نیاز در افغانستان، یک ضرورت و الزام قطعی غیر قابل انصراف است، بلکه صرفاً خاتمه بخشیدن به انقیاد مستعمراتی و حصول استقلال سیاسی افغانستان نیز بدون برپایی و پیشبرد چنین مقاومتی یک امر ناممکن به نظر می رسد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با درک عمیق ضرورت و الزام قطعی غیر قابل انصراف مبارزاتی فوق الذکر، نه تنها برای اجرا و پیشبرد تمامی وظایف و مسئولیت های ایدئولوژیک - سیاسی، تشکیلاتی خود درین راستا تلاش پیگیر می نماید، بلکه خود را مکلف می داند که بخاطر تامین هم آهنگی مبارزاتی مقاومت طلبانه میان تمامی نیروها و شخصیت های انقلابی مائوئیست و ملی - دموکرات مخالف امارت اسلامی طالبان و حامیان

اشغال گر امپریالیست شان نیز از هیچ سعی و تلاشی دریغ ننماید.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان اعتقاد راسخ دارد که تلاش برای ایجاد این چنین هماهنگی مبارزاتی میان این نیروها و شخصیت‌ها، به خاطر حل و فصل تفاوت‌ها و اختلافات و یا لاقلاً ایجاد تفاهم میان شان زدن تیشه بر ریشه سکتاریزم خواهد بود، و باید این مبارزه را هر چه قاطعانه‌تر به پیش ببریم.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان خود را مکلف می‌داند که برای اجرا و پیشبرد این مسئولیت‌های عاجل و درازمدت مبارزاتی، از هیچ تلاش و کوششی دریغ ننماید، و سائر نیروها و شخصیت‌های انقلابی مائوئیست و ملی - دموکرات را نیز در جهت راه اندازی عملی چنین تلاش و کوششی فرا می‌خواند.

در فصل اول برنامه عمومی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان مصوب سومین کنگره سراسری حزب (25 حمل 1400) در بخش خصلت طبقاتی حزب چنین گفته شده است:

«درفش حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان درفش وحدت‌دهنده تمامی مائوئیست‌های کشور است. آن‌ها فقط در زیر همین درفش می‌توانند وظایف و مسئولیت‌های مبارزاتی دموکراتیک نوین و کمونیستی و به طور اخص وظایف و مسئولیت‌های کنونی در قبال مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغال‌گران امپریالیست و خائنین ملی را به نحو اصولی و شایسته ادا نمایند.»

پس از تدویر کنگره وحدت جنبش کمونیستی م ل م افغانستان و تشکیل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در آن، حزب پروسه وحدت دیگری میان حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و مائوئیست‌های بیرون از حزب را طرح و اجرا نکرده است، بل که از وحدت مائوئیست‌های بیرون از حزب با حزب صحبت می‌نماید.

پروسه وحدت راه افتاده در اواخر دهه شصت خورشیدی در نهایت منجر به وحدت میان "هسته انقلابی کمونیست‌های افغانستان"، "کمیته تبلیغ و ترویج م ل م افغانستان" و "املا- بخش مائوتسه دون اندیشه" در سال 1370 در "حزب کمونیست افغانستان" گردید. سپس پروسه وحدت به راه افتاده در سال 1380 خورشیدی تا سال 1383 خورشیدی دوام نمود و در نهایت منجر به تدویر کنگره وحدت جنبش کمونیستی م ل م افغانستان، تأمین وحدت میان "حزب کمونیست افغانستان"، "سازمان پیکار برای نجات افغانستان" و "اتحاد انقلابی کارگران افغانستان" و تشکیل "حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان" گردید.

بدین ترتیب با تشکیل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، پروسه وحدت میان نیروهای مارکسیست-لنینیست-مائوئیست کشور اساساً به پایان رسید و پس از آن حزب، پروسه وحدت دیگری میان "حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان" و مائوئیست‌های بیرون از حزب را طرح و اجرا نکرده، بل که موضوع وحدت مائوئیست‌های بیرون از حزب با حزب را عنوان کرده است.

زیرا با تدویر کنگره وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) کشور و تشکیل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در آن، همان‌طوری که قبلاً گفتیم، در واقع پروسه وحدت میان نیروهای مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی کشور به پایان رسید و این موضوع نه تنها در گزارش پایانی کنگره وحدت بلکه در گزارش ارائه شده به خود آن کنگره نیز مطرح گردید.

در واقع پروسه وحدت در جریان پیشرفت خود به دو بخش تقسیم شد و یک مبارزه دو خط را از سر گذراند. بخش اصولی و اکثریت قریب به اتفاق، که طرفدار اصولی و پابرجای پروسه وحدت بود، آن را تا آخر پیش برد و در تشکیل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان سهم گرفت. اما بخش اقلیت سکتاریست و بسیار کوچک، که طرفدار اصولی و پابرجای پروسه وحدت نبود، بلکه در اصل- بنا به دلایل مختلف غیر اصولی- مخالف آن بود. به همین جهت مشمولین محدود و معدود آن یا نخواستند یا نتوانستند با جریان پیشرفت پروسه وحدت هم‌گام باقی بمانند. آن‌ها در مراحل مختلف پروسه وحدت از پروسه خارج شدند و نخواستند یا نتوانستند در تشکیل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان سهم بگیرند.

سکتاریزم قوی و نیرومند آن‌ها حتی به آن‌ها اجازه نداد که در بین خودشان نیز هم‌گامی و هم‌نوایی نیرومند ایجاد کنند و به طرف تأمین وحدت در میان شان پیش بروند. بدتر از آن، محفل معدود و محدودی که خود را "کمیته وحدت جنبش کمونیستی م ل م افغانستان" می‌نامید، آن قدر از لحاظ سیاسی سقوط کرد که در یک اعلامیه علناً منتشر شده، نام چند کادر ارشد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را افشا نمود. حزب این حرکت را در یک جلسه رویاروی با فرد اصلی نویسنده این اعلامیه محکوم نموده و خواهان توضیح در مورد این مسئله گردید. اما طرف مقابل که هیچ چیزی برای گفتن و جواب دادن نداشت فقط با خجالت سکوت نمود و صرفاً چندین بار از رفیق حزبی معذرت‌خواهی نمود.

در سطح دیگری از حرکت‌های سکتاریستی، بخش دیگری از این سکتاریست‌ها، شامل دو محفل و یک فرد ("مائوئیست‌های افغانستان"، "سازمان کارگران افغانستان" - که چند سال بعد از تشکیل "حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان" تا حد زیادی با جدایی از "سازمان رهایی افغانستان" برآمد نمود- و "پولاد" به عنوان یک شخص منفرد)، به جای این که برای تأمین وحدت کمونیستی در میان شان تلاش نمایند یک تجمع اسمی بی‌مسما به نام "ائتلاف نیروهای مائوئیست افغانستان" را به بهانه مبارزه علیه تسلیم‌طلبی‌های "ساما" و "سازمان رهایی..." اعلام نمودند. این "ائتلاف" در مقابل بحث درونی ای که درین مورد حزب با آن‌ها به راه انداخت تاب مقاومت نیاورد و فروپاشید.

اکنون از مدت چند سال به این طرف مجموع این محفل‌ها در واقع غیر فعال هستند و هیچ گونه علایم حیاتی سیاسی از خود نشان نمی‌دهند. در مقام مقایسه میان این محفل‌های غیر فعال و "پولاد"، به عنوان یک شخص منفرد، باید گفت که وی حداقل در سطح انتشار چند اعلامیه و نوشته بی‌فایده در سال، حداقل به عنوان یک شخص کم‌وبیش فعال باقی مانده است. بنابراین حکم اساس‌نامه حزب در مورد تمامی آن‌ها درستی و حقانیت خود را در عمل ساخته است.

بدین اساس پلنوم پنجم به اتفاق آراء فیصله نمود که نیاز عاجل مبارزاتی و ضرورت‌های انصراف‌ناپذیر کنونی برای تأمین وحدت اصولی تمامی مائوئیست‌های کشور در حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به خاطر پاسخ‌گویی مناسب و بر وقت به چالش‌های مبارزاتی اساسی به طور کل از همه ما می‌طلبد که با طرد هر نوع سکتاریزم به منافع عمومی جنبش مائوئیستی و منافع علیای کشور و مردم کشور در شرایط کنونی توجه ویژه نموده و در مسیر وحدت و یک‌پارچگی کل جنبش حرکت نمائیم.

کمیته مرکزی

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

20 اسد 1404 خورشیدی

11 آگوست 2025 م.

www.cmpa.io

sholajawid@cmpa.io || Sholajawid2@hotmail.com